

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۸ نومبر ۲۰۲۰

سرانجام مسلمان نمائی و اسلام پناهی!

۱

شنبه- ۱۷ عقرب ۱۳۹۹ - کابل: در رسانه ها آمده است: «حامدالحق، پسر مولانا سمیع الحق، مشهور به پدر معنوی طالبان، در یک سخنرانی از حکومت افغانستان خواسته است که به طالبان تسلیم شود تا طالبان شریعت اسلامی را در افغانستان تطبیق کنند» خبر گزارى طلوع

باز هم می خوانیم: «ریاست جمهوری افغانستان در واکنش به اظهارات اخیر حامدالحق، مسؤول مدرسه حقانیه پاکستان، خواستار بسته شدن این مدرسه شد» - همانجا
هموطنان گرامی!

هرچند در مورد صحبت های "حامد الحق" و "شریعت اسلامی" پیشنهادی وی بحث های زیادی وجود دارد، مگر در یادداشت امروز توجه شما را بدان نکاتی جلب خواهم نمود، که با تأسف بقیه رسانه ها یا آن را نمی بینند و یا هم منافع شان ایجاب نمی نماید تا ببینند و بنویسند و یا هم جرأت بیان آن را ندارند. مثلاً:

۱- دولت دست نشانده با مراجعت به دولت پاکستان و تقاضای انسداد مکاتب مذهبی از طرف آنها، تا هنوز می خواهد خود و مردم را گول زده، به نحوی مدارس مذهبی را تافته جدا بافته ای از دولت پاکستان معرفی بدارد، از همین رو از دولت پاکستان می خواهد تا مدارس مذهبی را ببندد. چنین طرز تفکری اگر برخاسته از بلاهت و نادانی مفرط دست اندرکاران دولت دست نشانده نباشد، صریحاً از رابطه استخباراتی آنها با استخبارات نظامی پاکستان یعنی "آی. اس. آی" حکایت می نماید.

آخر چه کسی است که نداند برای دولت پاکستان، که اسلام علت وجودی آن را می سازد، مدارس مذهبی ستونها و پایه هائیس است که بر بالای آن حاکمیت نظامی - استخباراتی پاکستان بنا یافته است. این که اسلام بتواند بدون "دولت پاکستان" حتا در همان پاکستان زنده بماند، در آن هیچ جای شکی نیست؛ مگر این که "دولت پاکستان" بتواند حتا برای یک روز بدون اسلام باقی بماند، از تصور بیرون است. چه کشور و دولت پاکستان بر مبنای اسلام به وجود آمده و تا زمانی باقی خواهد ماند، که بتوانند از اسلام به مثابه ابزاری جهت بقای شان استفاده نمایند.

۲- دولت دست نشانده با این درخواست، عملاً از نقش دولت پاکستان و استخبارات نظامی آن سلب مسؤولیت نموده آنها را بره های بیگانه معرفی داشته، تمام مسؤولیت ها را بر گردن مدارس مذهبی آنها می اندازد. در حالی که واقعیت

قضیه این چنین نیست، واقعیت قضیه آن است که تمام مدارس مذهبی پاکستان، زبان گویا و بازوی اجرائی استخبارات ارتش پاکستان در ترویج تروریسم منطقه‌ئی و بین‌المللی می‌باشند.

یعنی در چنین مواردی هرگاه دولت دست‌نشانده واقعاً خواسته باشد علیه مداخلات این چینی موضع بگیرد، می‌باید به خود این جرأت را بدهد تا مستقیماً دولت پاکستان را مخاطب قرارداده از آنها بخواهد تا نخست در کشور خودشان "شریعت اسلامی" را عملی سازند بعداً برای دیگران نسخه بپیچند.

۳- موضعگیری اخیر "حامد الحق"، در واقع ستراتیژی و توقع پاکستان را در مذاکرات دوحه جهت تأمین صلح در افغانستان بیان می‌دارد. بادر نظر داشت روابط تنگاتنگی که بین مدرسه مذهبی "حقانیه"، طالب و استخبارات نظامی پاکستان وجود دارد، می‌توان به صراحت حکم نمود که آنچه از زبان "حامد الحق" بیرون شد نه تنها خواست پاکستان است، بلکه تفسیر کردار طالب حین مذاکرات دوحه نیز می‌باشد.

ایستادگی طالب روی این که پایه و اساس مذاکرات باید موافقتنامه آنها با امریکا قرار گیرد که در نفس خود به رسمیت شناختن حاکمیت طالب و سلب اعتماد از دولت دست‌نشانده را می‌رساند، با تذکر "حامد الحق" کاملاً روشن و واضح شده، می‌توان فهمید که برداشت آنها از مذاکرات بیشتر از این که رفتن به طرف صلح باشد، به معنای تسلیم مطلق دولت دست‌نشانده به آنها می‌باشد.

ادامه دارد